مقایسه توانایی شنیداری کودکان بینا و نابینا در شناسایی و تجسم ویژگی‌های شناختی- عاطفی آموزگاران، از روزی صدای آنها

دکتر بروز شریفی درآمدی

چکیده:
تحقیق حاضر مقایسه توانایی شنوایی کودکان بینا و نابینا از لحاظ صداهای انرژی آموزگاران و تجسم ویژگی‌های شناختی- عاطفی آموزگاران است. در این تحقیق 50 نفر از دانش آموخته سال 1379 و 1380 در مدارس همبساور بوده‌اند. برای جمع‌آوری اطلاعات مداخله‌های مختلف تحقیق و پرسشنامه شناخته عمالم شخصیت کل برای برگزاری ساخته می‌شود و عوامل شانزدهگان شخصیت کل و نوار ضبط صوت و نوار وب‌سایت استفاده شده‌است. امتدادی‌های بس از گونه‌های تخصصی به دو گروه تجربی و کنترل تقدیم و بر اساس ویژگی‌های سنتی و ضبط اطلاعات- احتمال استفاده در برنامه هدایت و طراحی اقتصادی- اجتماعی به روش تحلیل و مدل‌سازی عمومی ساخته شدند. در ورود درصد با توجه به معیارهای آزمونهای و برای کاهش صداهای ویژگی‌های سنتی و تجربی در تجربه تعیین ارتباط با معیارهای آزمونهای و بهبودی در محاسبه یک ضریح، تحلیل جزئی و تحلیل زیر گروه مورد بررسی قرار گرفته‌اند و توانایی آن استفاده از این گروه از میانگین بوده است. در نظر بررسی شدند. در ورود درصد با توجه به معیارهای آزمونهای و برای کاهش صداهای ویژگی‌های سنتی و تجربی در تجربه تعیین ارتباط با معیارهای آزمونهای و بهبودی در محاسبه یک ضریح، تحلیل جزئی و تحلیل زیر گروه مورد بررسی قرار گرفته‌اند و توانایی آن استفاده از این گروه از میانگین بوده است. در نظر بررسی شدند.

کلید واژه‌ها: توانایی شنوایی، صدای صدا، تجسم ویژگی‌های شناختی- عاطفی، آموزگار، بینایی
مقدمه

نابیناپی پیده‌ای است به‌سکن که قدمت آن را می‌توان با تاریخ انسان همزاد و همزمان دانست. حس بیناپی از دوربین مورد توجه فلسفی، هنرمندان، فیزیولوژیست‌ها و روانشناسان بوده است. حس بیناپی در انسان یکی از مهم‌ترین عوامل درک و دریافت محتویات زندگی است و نقش تنظیم کننده بخش مهمی از رفتارهای انسان را به عهده دارد (عشایری، ۱۳۶۷). از این رو رابطه «رفتار و دستگاه بیناپی» انسان که حتی از قرون وسطی همچنان مورد بحث و بررسی بوده است، ضرورت توجه به تأثیر «آسیب دیدگی بیناپی» کودکان را بر روی پاره‌ای از کنش‌های روانی (رفتاری) آنها خاطرنشان می‌سازد. تحقیقات متعدد دانشمندان درباره تأثیر بیناپی بر روی رفتاری از فرایندهای ذهنی از جمله تصویرسازی ذهنی نشان می‌دهد که عملکرد کودکان نابیا در تصویرسازی ذهنی متفاوت از کودکان بیناپی است و این تفاوت به معنای آن نیست که کودکان نابیا عقب‌تر از کودکان بیناپی هستند، بلکه این نظریه جبران می‌کند که تصویرسازی ذهنی را در تصویرسازی ذهنی جبران کند. چه بنا برای نظریه نظریه اگر یکی از راههای حسی، مثل بینایی، دچار نقص شود، حواس دیگر از طریق کاربرد بیشتر و به صورتی خود‌خود تقویت می‌شوند؛ از این رو براساس این نظریه، یک پرسشنامه مطرح می‌شود که آنا می‌توان از راه تصویرسازی شنوایی کمی‌شدئا یا محدودیت‌های ناشی از فقدان تصویرسازی بینایی را چگونه کرد؟

از تصویرسازی ذهنی تعریف مختلفی به عمل آمده است. به عنوان یک تعریف جامع می‌توان «تصویرسازی آی» را یک تقلید دوری شده دانست، یعنی تصویر یا تصویر ذهنی درون‌بنی است که پیشنهاد به اندیشه دوست‌درا به صورت دال (نسبت به مدل) درونی شده هستند. درمی‌آید (دادستان و منصور، ۱۳۷۵).

با توجه به ماهیت پیچیده و ابعاد گوناگونه تصویرسازی ذهنی کودکان نابیا و کاربرد گسترده آن در اغلب ملاحظات آموزشی و توانبخشی و سازشی ایونگیکی با مختصر یک‌تاً توجه به شکل گیری تصاویر ذهنی - شیبداری در نابیناپیان ضرورت می‌یابد و این گونه نقش شناوری در تصویر ذهنی نابینایان اشکال می‌گردد (افروز، ۱۳۷۳ و ۱۳۷۵). چه همان گونه که هوش عملی توسط ادراك بینایی ضبط و توسط مهارت دست‌ها باشند هوش نظری برعکس است.
عكس از قاعدید چرخش ادراک شنوایی و گفتار تشکیل می‌شود و این هوش نظری (ادراک شنوایی) است که خصوصی در تصویرسازی ذهنی نابیناها نقش تعیین کننده‌ای ایفا می‌کند. محتمل است در مروری بر ادیبات تصویرسازی ذهنی نابیناها با پرله‌های متعددی روی شدیداندی، یکی از پرسش‌ها این است که آیا نابیناها می‌توانند با استفاده از حس شنوایی گذشته و علائم دیگر محققان می‌توانند دیگر محققان را خوانند، چرا که اغلب نابیناها این امکان را ندارند؟ تصویردهنده‌ها با این طریق حس شنوایی شکل داد و اطلاعات درباره خصوصیات و صفات اشخاص را علی‌رغم نقدان نابینا به همان خوبی به جهان انتخاب؟

لیونشفت (1876) درباره رابطه حس نابینایی و رفتار خادمان زندگانه می‌سازد که طلف نابینا به دنیا آمد می‌تواند مفاهیمی بصری را در ذهن شکل دهد و به ناحیه باید از راه‌های شنوایی و بساینی فراگیرد. دیبیک و کرونولدی (1876) و دیویس (1876) عقیده دارند که بار اثر نابینایی قسمت اعظم اطلاعاتی که برای نابینایان و زنگ‌های شناختی - عاطفی، رفتاری و فیزیکی اشخاص مورد نیاز است، کاهش می‌یابد. حال آنکه این اطلاعات را می‌توان از راه‌های گوناگون از جمله تصویرسازی ذهنی - شنیداری به‌دست آورد (شویکی درآمده، 1379).

بر این اساس، این پرسش مطرح می‌شود که آیا واقعی نابیناها تنها هنرمندان اشخاص گزاره‌ها می‌شوند؟ می‌تواند ویژگی‌های شناختی - عاطفی، ناشناد آن را در ذهن خود مجموع‌سازند؟ نتایج پژوهش‌های کم و نسبتاً منافقت‌های نشواهی از نواحی شنوایی کودکان نابینا در تصویرسازی ویژگی‌های شناختی - عاطفی اشخاص را نشان می‌دهد. چه پژوهش‌های اخیر، یافته‌ها و نظریه‌های متوقفات را بست داده‌اند که با نظریت‌های اخیر می‌تواند بحث شکل‌گیری یابد و افتاده‌ای که مشابه نابینایان مانند مانع حضور گوگانوی مربوطاند که آن را به وجود می‌آورند. آنان بسته به نواحی شنوایی نابیناها می‌توانند تأکید دارند.
بدون کلی محققان اخیر با توجه به زمینه‌کلی مسئله و در نظر گرفتن نتایج حاصل از مطالعات و نسبتاً پراکنده، مربوط به تصویرسازی شنیداری نابینایان عمدهاً نسبت به کارآمدی توجه شنیداری، بالا بودن دروت شنوایی و توانایی پردازش صوتی نابینایان افزایش روش تنرت می‌بینند.

مباحث نظری تصویرسازی ذهني در نابینایان، حول محور حس شنوایی، هیگراپای بالایی را نشان می‌دهند. لوئیس (۱۹۶۲) خاطر نشان می‌سازد که تسر شنیداری اولیه در نابینایان در تجاویز گذاری و یکپارچه‌سازی «دنر داده‌های شنیداری» آنان نقش تعبیه‌کننده‌ای دارد. هر چه این تشر شنیداری در معرض فعالیت و تقویت طبیعی و خوب‌خویده نرار بگیرد، به همان اندازه برای تجزیه و تحلیل اطلاعات صوتی پیچیده و تیزی و مقایسه نهادهای شنیداری کارآمدتر است.

به عقیده کنان (۱۹۸۳)، کودکان نابینایا واجد یک زمینه ادراکی به‌هیچ‌یک حس شنوایی نستند. براین (۱۹۹۰) معنی است که یک فرد نابینای بشکه فرد بینی به توالی، نت و منطقه بودن یا توانایی بودن صوت و پیامدهای آن توجه می‌کند، زیرا در صدای یک کسی توالی و پیامدهای خاصی به‌هیچ‌یک است که توجه نابینایان را بیش از بینیان به خود می‌کند.

لوپور (۱۹۹۷) درباره مقایسه کش شنوایی نابینایان و بینیان خاطر نشان می‌کند که ضریب آهنگ شنوایی نابینایان تندرت و قوی‌تر از بینیان است و در نتیجه، پیشرفت و تقویت شنوایی برای جبران نابینایی قابل اثبات گردیده است. دی‌بی، کورنلندی (۱۹۸۲)، وران (۱۹۷۲)، رمز و رابین (۱۹۷۴) معنی است که عملکرد شنوایی نابینایان به عنوان یک است یک پایداری شنیداری یکپارچه‌تر، ثابت و کامل‌تر، تحریف‌پذیرتر است و قطعاً کارآمدی توجه یا تمرکز شنیداری در نابینایان بیش از انتیتان است. رمز و رابین (۱۹۹۴) خاطرنشان می‌سازند بین تصویرسازی نابینایان و بینیانی تفاوت وجود دارد. این تفاوت در مواردی که یک محور «مطلق دیداری باشد» به سود بینیانی است و در مواردی که سلول‌های شنیداری در مقابل یک محور حساس‌تر قادر به تصویرسازی شنیداری باشد، به سود نابینایان است. دو تن از تحقیق‌های پژوهشگران از جمله فرن‌لند، سیلورستر (به‌نقل از ونر (۱۹۸۷) بر این باورند که تفاوت تصویر ذهنی نابینایان و بینیانی اساساً به تفاوت وایسته.
مقایسه نواحی شیداری کودکان بینا و نابینا در در....

حسی آنها بسیگی دارد. بدن ترتیب که بینایان از تحلیل‌گر بینایی و نابیناوان از تحلیل‌گر
شنوایی استفاده می‌کند (شرفی درآمده، ۱۳۷۹). از منظر عصب‌شناسی، سهم مکانیزم‌های مغزی در تصویرسازی واجد اهمیت فرآین
است. (نمازی، ۱۳۸۶، به نقل از کورنلندی و دانیل، ۱۹۹۲) معتقد است که ناحیه تطبی
tصویرسازی دهی-شیداری در مرکز خلفی زبانی مغز دی نیاکره چپ است. این درمان و
برت (۱۹۸۳) معتقدند که نیمه‌ی راست به تصویرسازی دهی-بینایی و نیمه‌ی چپ به
 تصویرسازی دهی-شیداری تعلق دارد.

فرنالد (به نقل از وارون، ۱۹۸۷) خاطر نشان می‌سازد که اولین نوع تصور در بینایان
تصویر‌شدنی را به میزان ۲۶٪ و نخستین تصور در بینایان را به میزان ۲۵ درصد است.
به عقیده فرنالد دو کودکان که بعد از ۹ سالگی بینایی خود را از دست می‌دهند، تصاویر بینایی
۷۵ درصد و تصاویر شنوایی ۱۹ درصد است، اما در کودکان نابینا به‌دنبال آمده (نمازی
مطلق مادرزادی و تصاویر شیداری تا سقف ۴۷ درصد افزایش می‌یابد. (هلال، ۱۹۸۳)
اهوران می‌کند که تصویر دهی-شیداری از مس ۹ سالگی کاربرد فرآیند دارد.

بهل و پاپل کوئیست (۱۹۸۸) تا آزمایش این بررسی را مطرح می‌کند که آیا کودکان
نابینا قادرند خصوصیات شخصیتی بزرگسالان را از طریق شنیدن صدای آنها تعبیه کنند او
تعداد ۳۲۰ دختر و پسر نابینا را در ۸ سالگی تا ۱۵ سال قرار داد و پسی‌چند جلسه از آنها
درخواست کرد که تا حدی می‌پنداشت خود را از کسانی که صداشان را تعلق‌گیراند شنید.

پی‌گویند. نتایج نشان دادند که تا حدود سین ۶ تا ۷ سالگی تصویربرداری کودکان نابینا براساس
آنچه درباره ویژگی‌های درونی متمرکز است و از حدود ۱۱ و ۱۲ سالگی تا ۱۵ سالگی
تصویربرداری کودکان تابیان از لحناً صدا و ویژگی‌های شخصیتی سایر افراد سازمانی بیانی می‌گردد.

حس شنوایی، با انواشر نسبی نخودی تماشای بانویه و روان‌شناختی می‌گردد.

بریجز (۱۹۹۴) با بررسی رابطه بین علائم صوتی و تشخیص هویت صاحب صوت
خاطر نشان می‌سازد که علائم صوتی تاکید می‌زنند در صداه گویندگی، پس‌گنگه به لحن صدا، گویندگی
و گوینده درصد تمریش شنوایی صوتی به کمک یک حافظه شنوایی قوی در اور دارد.
بروزن در جهتی کودکان استثنایی 1 | سال اول، شماره 1 | 1860

ریز، فلورز و رابین (1994) عقیده دارند که در بسیاری موارد، نتایج بارای شناسایی آن‌ها کافی است. آن‌ها در آزمایشی از 3 نفر در خواست کردند که برای موضوعی واحد به‌طور جداگانه صحبت کنند، سپس از یک گروه آزمودنی خواستند که تصویر افراد تان‌ها را در حین صحبت کردند از طریق نوار ویدئویی مشاهده کنند و از گروه دیگر خواستند بی‌آن‌ها افراد را بی‌پنده فقط صحبت‌های آن‌ها را بشنوند و در نهایت، هر دو گروه برداشت خود را از ویژگی‌های شخصیتی شخصیت‌های مختل‌ترینان نقل کرد یک پرسشنامه پژوهشگر ساخته بیان کند. در نهایت آن‌ها نتیجه‌گیری کردند که بین تصاویری که در شبه‌اتمیان کودکان تابیانه با عناصر عاطفی افراد مذکور هم‌خوانی وجود دارد.

عشایری (1378) معتقد است که افراد غمگین با شیندن صدای آرامش‌بخش انسانی دیگر به وجد می‌آیند، چه صدای انسانی به معنا حضور عاطفی و فیزیکی یک انسان دیگر است.


ملر و میریام (1995) خاطرنشان می‌کنند که تکثیر بین نابیناها از آموزگاران مدرن که صداشان به طور خاصی بیم است و عوامل B (باهمی)، E (خوشنویس)، H (گروه) و (شجاعت)، O (اعتماد) به خود) را نشان می‌دهند، تصویر مثبت تری دارند.

آنوو (1997) در بررسی رابطه بین انکار خوشابند و ناکوشابند با الگوهای صوتی، نتیجه می‌گیرد که وقتی آدمی به چیزهای خوشابند فکر می‌کند و در هنگام حالت، با گویانه به چیزهای ناکوشابند می‌اندیشد، تغییر قابل ملاحظه‌ای در صداو و حس می‌شود. بر این اساس، و معقد است بین ویژگی شخصیتی اضطرابی (04) و الگوهای صوتی رابطه معنی‌داری وجود دارد. آنوه همچنین به بایه نتایج پیش‌آمده به عنوان عقیده دارد که «صدای ناموزون، شاخص..."
مقایسه نواهم شهیدانی کودکان بینا و نابینا در

رنجوری: صدای وحن‌ناک، شاخه تنش؛ صدای برد، بردید، سرخ تنش و دردمندی؛ صدای ضعیف و شکنده و با لحن کودکان گوای ناپذیرگی؛ صدای زیر، شاخه حضارت و الگوی صوتی احساسه و نجواگرانه شاخه ترس» است.

از این رو بررسی مسأله حاضر، یعنی بررسی مقایسه توانایی شنوایی کودکان بینا و نابینا. از لحن صدای اشخاص و وزیگی های شناختی - عاطفی آنان، قابل توجهی محوریت به بیان می‌گردد. به این ترتیب و با استفاده برخی از تحقیقات انجام شده، قوی سعی می‌شود مشخص گردد که آیا واقعاً تصویرسازی شهیداری کودکان بینا و نابینا یکسان است یا متناوت و اگر شاهد با تفاوت وجود دارد، آیا این تفاوت از نظر آماری معنی‌دار است و در صورت معنی‌دار بودن چه توجهی دارد.

ضرورت برای آموزش و تولید توانبخش کودکان نابینا در ایجاد مکنده در بهره‌گیری تصویرسازی درنی - شهیداری کودکان نابینا و مقابل مربوط به آن، یافته‌های علمی کامی در اختیار داشته باشیم، زیرا از لحاظ نظری روش‌ها و برنامه‌های آموزشی کودکان باید بتواند به این یافته‌ها متسق بوده و محیط و راهکار‌های آموزشی مناسبی برای این کودکان فراهم آورد تا با ایجاد فرصت‌های مناسب محرومیت‌های بینایی آنها یا چربان کند و آموزش و پرورش آنان را بر پایه امکانات حس شنوایی و الگوهای صوتی مطلوب متحول سازند.

همچنین توانبخشی نابینایان ایجاد نگرش مثبت و تقویت بازخوردها و انگیزه‌های تلایش در آنان، گزینش و استفاده آموزگاران و مربیان با الگوهای صوتی مناسب و تشویق برگزاس‌الانی که به نوعی به کودکان نابینا می‌کارند، به اصلاح لحن صوت و به استفاده از صوت خوش‌اینگ کدرونه‌ها یا دیگر انجام تحقیق حاضر را خاطرنشان می‌سازد. در تحقیقات گذشته یافته‌های پراکنده و متناقض بوده است. در زمینه تصویرسازی ذهنی - شهیداری نابینایان و تأثیرگذاری آنان از لحن‌های صوتی اشخاص در فرهنگ‌های متفاوت، از اجرای تحقیقات لازم در زمینه شکل‌گیری تصاویردهنی و ارتباط آن با لحن صدا در کودکان و عدم آگاهی مستند از تصویرسازی ذهنی - شهیداری کودکان نابینا (به ویژه نابینایان ایرانی) همگی ضرورت انجام تحقیق حاضر را خاطرنشان می‌سازد.

بهطور کلی پژوهش حاضر در پی بررسی چهار فرضیه اصلی به قرار ذیل است:
فرضیه‌ها:

1- تصور ورودی در زمینه کودکان نابینا از لحص صدا اشخاص و برخی ویژگی‌های شخصیتی

شناختی - عاطفی) آنان با یکدیگر همکاری دارند.

2- تصور ورودی در زمینه کودکان بینای از لحص صدا اشخاص و برخی ویژگی‌های شخصیتی

شناختی - عاطفی) آنان با یکدیگر همکاری دارند.

3- تصور ورودی کودکان بینای (با شنیدن صوت) و کودکان نابینا (با شنیدن صوت) و کودکان بینای با دیدن تصویر) از صاحبان صوت در برخی از ویژگی‌های شخصیتی (شناختی - عاطفی) آنان با یکدیگر تفاوت دارند.

4- تصور ورودی خوشاپن کودکان بینای از صاحبان صوت با برخی از ویژگی‌های شخصیتی

شناختی - عاطفی) آنان مربوط است.

روش پژوهش

الف) جامعه آماری و گروه‌های نمونه:

جامعه مورد بررسی در تحقیق حاضر، دانش‌آموزان نابینای مادرزادی آموزشگاه‌های نابینایان ابایصیر اصفهان و دانش‌آموزان بینای مدارس همگون را آموزشگاه‌های مذکور است. نمونه آماری شامل 50 دانش‌آموز (25 نفر نابینا و 25 نفر بینای) پسر بود که براساس ویژگی‌های سنی (11 تا 13 سال)، وضعیت اقتصادی اجتماعی موجود، پیشرفت درسی با مجموع (12/27 تا 18/97) و پایه تحصیلی پنجم دبستان همتا سازی شدند و سپس در دو گروه تجربی و کنترل قرار گرفتند.

ب) متغیرهای پژوهش:

1- متغیرهای مستقل: ارتباط صوتی بین بینای ارتباط صوتی خوشاپن و ناخوشایند

2- متغیرهای وابسته: تصویربراری (نمرات حاصل از پرسشنامه خودساخته).

3- متغیرهای تصادفی کننده: جنس، سن.

چچ) ابزارهای اندوزده و روش اجرای:

ابزارهای مورد استفاده در این بررسی عبارتند از:
1- مقياس شخصیت ۱۶ عاملی کتل برای بزرگسالان به منظور تعیین مؤلفه‌های شخصیتی (شناختی- عاطفی) و ترسیم نمودن روانشناسی عاملی مورد نظر در تحصیق حاضر یکی از انواع آزمون‌های تحلیلی عاملی که فقط خاصیت روش ساختن یک جنبه‌ای یا یک رگه مشخص شخصیت‌اند، آزمون شخصیتی ۱۶ عاملی کتل است. این آزمون یک ابزار اندازه‌گیری شخصیت عوامل شخصیت است که کلیه پرسشنواره آن از لحاظ عوامل که می‌خواهد اندازه‌گیری کند، اشنایاند. این آزمون از ۱۷۸ پرسش سه گزینه‌ای تشکیل شده است و ۱۶ رگه بر عامل شخصیتی را اندازه‌گیری می‌کند. عواملی که در قلیبر استفاده‌شده (هورش)، عوامل مراقب و رگه‌های پویا (خلق و خو) را در بر می‌گیرند. (منصور و دادستان، ۱۳۶۷).

2- پرسشنامه گردآوری برخی اطلاعات لازم (تصاویر ذهنی) آزمودنی‌های تحصیل از معلامان مورد نظر در تحصیل.

این پرسشنامه محقق ساخته ۱۶ ماده‌ای مبتنی بر مؤلفه‌های آزمون شخصیتی ۱۶ عامل کتل و چهار ویژگی فیزیکی است. در این پرسشنامه از آزمودنی‌ها خواسته شد تا به پرسشنامه در رابطه با ویژگی‌های شخصیتی (شناختی- عاطفی) معلامان مورد نظر در تحصیل حاضر بپردازند که با تابع و سیلو ترسیم‌های ذهنی نمونه‌های تحصیل از خصوصیات شخصیتی (شناختی- عاطفی) آموزگار مطرح شده فوق معلوم گردد. برای تدوین مدل‌های روانسنجی پرسشنامه پژوهشگر ساخته، ۴۸ پرسش تدوین گردید و بر روی نمونه‌های نابینا (۱۰=۸) اجرا شد. یک تریب کرده که برای هر عامل ۳ پرسش تدوین شد و در مجموع تعداد پرسشنواره‌های آزمون از ۱۷۸ به ۴۸ پرسش تقلیل یافت. پس از آن پژوهشگر عاملی هر پرسش را با عامل مرتبط محاسبه کرد و تعداد ۴۸ بار عاملی را به دست آورد. به عنوان یک از عوامل شناخته‌دنیا تعداد سه پرسشنامه ملاحظه شد و بار عاملی هر پرسشنامه با ۱۶ عامل بسته به مجموع سوالات براساس بالاترین بار عامل سه پرسشنامه در هر قسمت محاسبه یک پرسشنامه را بررسی نمود تا پرسشنواره ذهنی ترآن عامل باشد و از آن طریق رتبه‌سازه و محتما (روایی درونی) افزایش یابد. در نهایت، پرسشنامه به ۱۶ پرسش مربوط به ۴۸ عامل تقلیل یافت و ضریب آلپا کرونباخ نیز برای محاسبه اعتبار پرسشنامه به کار برده شد و رقم ۰۷۸ به دست آمد.
3- استفاده از نوار ضبط صدا معلمان انتخاب شده و بخش همزمان صدای تعدادی از آنها (رک به یک) برای مقایسه تصاویر ذهني- شنیداري کودکان ناپينا و بينا.

4- استفاده از نوار فيلم ویدئویی به منظور ضبط و بخش تصویر تعدادی از معلمان گرنيش شده (معلمان داراي ويزگريهاي عاطفي مشابه) برای مقایسه تصويررسازي ذهنی- شنیداري ناپينايان و تصوير سازي بينايين بينايان.

روش اجراي متغير مستقل، طي جهار و هله متوالی به قرار دیل انجام شده است:

در ولهه اول، ابتدا صدای 10 آموزگار (5 آموزگار مرد و 5 آموزگار زن) در حين گفتگو تلايه از یک متن معين واحد روي نوار ضبط صوت ضبط شد. همچنين تصوير هر یک از آموزگاران مذكور روي نوار ویدئویي فيلمبرداري گرديد، سپس بعد از ضبط صدا و تصوير به طور همزيمن به منظور تعیین مؤلفه‌هاي شخصیتي (شنانشي - عاطفي) آموزگاران از آموزن شخصیتي 16 عاملی كتل استفاده به عمل آمد تا بدين وسيله ملاكي معتبر برای مقایسه و تطبیق تصاویر ذهنی شکل یافته‌ها از لحص صدا با مؤلفه‌هاي (شنانشي- عاطفي) صاحبان صوت بسته آيد.

در ولهه دوم، احاث صوتی 6 آموزگار زن و مرد كه از لحص اشباع مؤلفه‌هاي عاطفي با يکديگر اختلاف قابل ملاحظه‌اي داشتند و در اصطلاح نمرات آنها در مؤلفه‌هاي مورد نظر بهطور مشخص بالاتر و پابيینتر از ميانگين بود، در نظر گرفته شد.

در ولهه سوم، صدا و صحبت هاي مربوط به یک از 6 آموزگار زن و مرد برای آزمودن های ناپينا و بينا به طور همزيمن پخش شد و سپس از آزمودن های مذكور در خواست گردید به پرسشنامه محقق صاحبهاي پاسخ دهدند و در واقع تصويردهني خود را از هر یک از صاحبان صوت بينا نمایيد.

در ولهه چهارم، از دانشآموزان درخواست شد تا تصوير هر یک از 6 آموزگار بادشده را در حين صحبت كردن مشاهده کنند و همچنان به پرسشنامه همان پرسشنامه (محقق صاحبهاي پاسخ دهدند.

اجمالاً دانشآموزان بینا موظف شدند یک مرتی به بعد از نشتين صدای معلم و مرتبه ديگر بعد از ديدن تصوير معلم به پرسشنامه محقق صاحبهاي پاسخ دهدند و دانشآموزان ناپينا فقط وظيفه داشتند تا بعد از نشتين صدای صاحبان صوت (آموزگاران) در جهت پاسخ به پرسشنامه محقق صاحبهاي (محقق صاحبهاي) مبادرت ورزند.
د) تحلیل داده‌ها

طرح این پژوهش از نوع شبه آزمایشی یا نیمه تجربی است. زیرا داده‌های موجود مبتنی بر وقایع (نابینایی) است که از قبیل انتخاب افتاده است. می‌توان ۱۵۰ نفر را تصادفی و کمی سازی و تحلیل کیفی پدیده‌های که احتمال می‌دهم نویعی ارتباط و پیوستگی بین آنها وجود دارد، بپردازیم. پنجم ترتیب در تحقیق حاضر، برای بررسی فرضیه‌های اول و دوم یعنی مقایسه تصور سازی کودکان بینا و نابینا از روش همبستگی گشتاوری پیرسون، برای فرضیه سوم یعنی تصویرسازی کودکان بینا (بدنی تصویر) از صاحبان صوت از روش تحلیل واریانس یک طرفه و در نهایت برای بررسی فرضیه چهارم یعنی تعیین میزان ارتباط تصاویری خوش‌اینگر کودکان بینا با اهداف صوتی و این که تصاویر تجارب خوش‌اینگر کودکان نابینا از اهداف صوتی اشخاص به کمک یک از ویژگی‌های شخصیتی (شناسیتی - عاطفی) آنان مربوط است، از روش رگرسیون چند متغیری استفاده شد.

یافته‌ها

یک) از پرونده‌های ۱۴۰۷

- تصاویر ذهنی در بین کودکان نابینا از لحاظ صدای اشخاص و برخی از ویژگی‌های شخصیتی (شناسیتی - عاطفی) آنان با یکدیگر همبستگی دارد.

در جدول ۱ ماتریس همبستگی تصورسازی نمونه‌ها تحقیق ارائه شده است که در این تحقیق تعداد ۲۵ نمونه به عنوان آزمودنی‌ها در سطح و ستون جای داده شده است. نامبرای تعداد ۱ تا ۲۰ در سطح و ستون، هر یک از آزمودنی‌ها را نشان می‌دهد.

یافتها مربوط به از پرونده‌های ۱۴۰۷

یک توجه به جدول ۱ ماتریس‌ها دو بعدی از بین آزمودنی‌های نابینا و میزان همبستگی تحقیق ذهنی آنها با یکدیگر که از طریق ضریب همبستگی پیرسون به دست آمد مشخص گردد که رابطه منفی دارد. تفاوت ذهنی کودکان نابینا از لحاظ صدای اشخاص و برخی از عوامل شخصیتی (شناسیتی - عاطفی) آنان وجود دارد. زیرا تمام مقادیر همبستگی به دست آمده از رقم ۰/۸۰ درصد بالاتر است و این رابطه در سطح ۰/۰۱ = معنی‌دار است. بنابراین بای
توجه به این که فرضیه خلاف اول در سطح 0/01 = 20 معنادار است و دلیل کافی برای رد فرضیه اول بدست آمده، تصویرسازی کودکان نابینا از لحصن صدای اشخاص و برخی از ویژگی‌های شخصیتی (شناسختی - عاطفی) با یکدیگر همخوانی دارد.

دو) آزمون فرضیه دوم

تصاویر ذهنی در بین کودکان بینا از لحصن صدای اشخاص و برخی از ویژگی‌های شخصیتی (شناسختی - عاطفی) آنان با یکدیگر همخوانی دارد.

در جدول 2 ماتریس همبستگی بین تصویرسازی دقتی نمونه‌های تحقیق ارائه شده است که در این تحقیق تعداد 25 نمونه به عنوان آزمونی در سطح و ستون چاپ داده شده است. بنابراین ارقام 1 تا 25 در سطح و ستون هر یک از آزمون‌ها را نشان می‌دهد.

یافته‌ها مربوط به آزمون فرضیه دوم:

نتایج آزمون فرضیه دوم با توجه به جدول 2 ماتریس‌های دو بعدی در بین آزمودن‌های بینا و میزان هم‌خوانی آنها با یکدیگر که از طریق ضریب همبستگی پیرس به‌دست آمده است معلوم گردید که رابطه مفاهیمی بین تصاویر ذهنی کودکان بینا از لحصن صدای اشخاص و برخی ویژگی‌های شخصیتی (شناسختی - عاطفی) صاحبان صوت وجود دارد. زیرا تمامی مقادیر همبستگی به‌دست آمده از رتبه 0/80 درصد بالاتر است و این رابطه در سطح 0/01 = 20 معنی دار است و دلیل کافی برای رد فرضیه اول بدست آمده، تصاویر ذهنی کودکان بینا از لحصن صدای اشخاص و برخی ویژگی‌های شخصیتی (شناسختی - عاطفی) آنان با یکدیگر همخوانی دارد.

سه) آزمون فرضیه سوم

تصاویر ذهنی کودکان نابینا (با شنیدن صوت) کودکان بینا (با شنیدن صوت) و کودکان بینا (با دیدن تصویر) صاحبان صوت در برخی از ویژگی‌های شخصیتی (شناسختی - عاطفی) شخصیتی با یکدیگر متفاوت است.
جدول 1- جاییتین همکاری بین فصول دهه کودکان نانین (تا یادآوری آزمون همبستگی بیوزنسی بیوزنسی بررسی بررسی تصاویر ذهنی کودکان نانین)

<table>
<thead>
<tr>
<th>کلاس‌های فصل</th>
<th>1</th>
<th>2</th>
<th>3</th>
<th>4</th>
<th>5</th>
<th>6</th>
<th>7</th>
<th>8</th>
<th>9</th>
<th>10</th>
<th>11</th>
<th>12</th>
<th>13</th>
<th>14</th>
<th>15</th>
<th>16</th>
<th>17</th>
<th>18</th>
<th>19</th>
<th>20</th>
<th>21</th>
<th>22</th>
<th>23</th>
<th>24</th>
<th>25</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>1</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
<tr>
<td>2</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
<tr>
<td>3</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
<tr>
<td>4</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
<tr>
<td>5</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
<tr>
<td>6</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
<tr>
<td>7</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
<tr>
<td>8</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
<tr>
<td>9</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
<tr>
<td>10</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
<tr>
<td>11</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
<tr>
<td>12</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
<tr>
<td>13</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
<tr>
<td>14</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
<tr>
<td>15</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
<tr>
<td>16</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
<tr>
<td>17</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
<tr>
<td>18</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
<tr>
<td>19</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
<tr>
<td>20</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
<tr>
<td>21</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
<tr>
<td>22</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
<tr>
<td>23</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
<tr>
<td>24</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
<tr>
<td>25</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
<tr>
<td>26</td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
<td>0</td>
</tr>
</tbody>
</table>
جدول ۲- ماتریس همگونی بین تصاویر ذهنی کودکان بین (نتایج آزمون همبستگی پیرسل برای بررسی تصاویر ذهنی کودکان بینا)

| کلاس کودک | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۸ | ۹ | ۱۰ | ۱۱ | ۱۲ | ۱۳ | ۱۴ | ۱۵ | ۱۶ | ۱۷ | ۱۸ | ۱۹ | ۲۰ | ۲۱ |
| ۱          |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
| ۲          |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
| ۳          |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
| ۴          |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
| ۵          |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
| ۶          |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
| ۷          |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
| ۸          |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
| ۹          |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
| ۱۰         |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
| ۱۱         |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
| ۱۲         |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
| ۱۳         |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
| ۱۴         |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
| ۱۵         |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
| ۱۶         |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
| ۱۷         |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
| ۱۸         |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
| ۱۹         |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
| ۲۰         |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
| ۲۱         |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
| ۲۲         |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |

Downloaded from jec.ir at 2:05 +0330 on Saturday November 27th 2021
یافته‌های مربوط به آزمون فرضیه سوم:

نتایج (3) نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین تصاویر ذهنی کودکان نابینا (با شنیدن صوت) و کودکان بینا (با شنیدن صوت) وجود دارد. زیرا نسبت F حاصله از میزان F جدول از هر یک از عوامل شخصیتی (عاطفی) به ترتیب 
(جدایاً فوق) A (گرمش) E (تسلط)، H (بی‌خیالی، سرزنده‌گی)، E (حسستی)، L (خوش بینی)، Q (عنوان به خود)، A (نش) در سطح 0.01 = α برقرار است. از این رو کودکان نابینا تصاویر ذهنی متقارنی از رگ‌ها و عوامل شخصیتی (عاطفی) مطرح شده فوق (صاحبان صوت) به‌دست می‌دهند. به علاوه براساس یافته‌های بدست آمده، نتیجه گرفته می‌شود که بین تصاویر ذهنی کودکان نابینا (با شنیدن صوت) و کودکان بینا (با شنیدن صوت) و کودکان بینا (با دیدن تصویر) در عامل‌های شناختی تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. زیرا میزان F حاصله از میزان جدول از هر یک از عوامل شخصیتی (شناختی) به ترتیب 
(جدایاً فوق) B (هوش)، C (بی‌پایداری هیجانی)، G (خود نظم دهی)، M (احتمال کاری)، OQ (محافظه کاری)، Q1 (محقیقت کاری) در سطح 0.01 = α کوچکتر است، از این رو بین تصاویر ذهنی نموده های تحقیقی در هر سه سطح کودکان نابینا با شنیدن صوت، کودکان بینا با شنیدن صوت و کودکان بینا با دیدن تصویر صاحبان صوت تفاوت معنی‌دار مشاهده نشده و آنها در عامل‌های شناختی شخصیتی فوق مقادیر یکسانی را در نظر گرفته و گرافی متفاوتی نشان ندادند.

تجزیه و تحلیل نتایج آزمون فرضیه سوم نشان می‌دهد که:

1) در عامل‌های عاطفی (گرمش)، F (تسلط)، A (بی‌خیالی، سرزنده‌گی)، H (حسستی)، L (خوش بینی)، Q (عنوان به خود) و G (بی‌پایداری هیجانی) بین تصاویر ذهنی کودکان نابینا و کودکان بینا (با شنیدن صوت) و کودکان بینا (با دیدن تصویر صاحبان صوت) تفاوت معنی‌داری در سطح 0.01 = α وجود دار، لذا کودکان نابینا نسبت به کودکان بینا (با شنیدن صوت) و کودکان بینا (با دیدن تصویر صاحبان صوت) مقادیر بالاتری را در عامل‌های عاطفی فوق در نظر گرفته و تصاویر ذهنی واقعی تری از هر عامل فوق بدست آورده.

2) در عوامل (شناختی) (هوش)، C (بی‌پایداری هیجانی)، G (احتمال کاری)، OQ (محافظه کاری)، Q1 (محقیقت کاری)، Q2 (خود نظم دهی) بین تصاویر (ملاحظه کاری) در سطح 0.01 = α وجود دارد، لذا کودکان نابینا نسبت به کودکان بینا (با شنیدن صوت) و کودکان بینا (با دیدن تصویر صاحبان صوت) مقادیر بالاتری را در عوامل (شناختی) فوق در نظر گرفته و تصاویر ذهنی واقعی تری از هر عامل فوق بدست آورده.

مقدارهای نهایی شناختی کودکان بینا و نابینا در ...
پژوهش در حیطه کودکان استنباطی | سال اول، شماره 1/ حزيران 1380

جدول 3- نتایج تحلیل واریانس عوامل شخصی در سه گروه: نابینا با صوت، بینا با صوت و بینا با تصویر

<table>
<thead>
<tr>
<th>ردیف</th>
<th>سطح</th>
<th>سهم</th>
<th>بمونی</th>
<th>سهمکننده</th>
<th>سهمگیر</th>
<th>سهم نابینا</th>
<th>سهم بینا</th>
<th>سهم با صوت</th>
<th>درصد</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>1</td>
<td>***</td>
<td>0.765</td>
<td>181</td>
<td>104</td>
<td>10.3</td>
<td>2.4</td>
<td>3.6</td>
<td>18.8</td>
<td>A</td>
</tr>
<tr>
<td>2</td>
<td>-</td>
<td>0.846</td>
<td>10.9</td>
<td>12.9</td>
<td>1.7</td>
<td>1.8</td>
<td>1.8</td>
<td>2.8</td>
<td>B</td>
</tr>
<tr>
<td>3</td>
<td>-</td>
<td>0.705</td>
<td>100</td>
<td>105</td>
<td>10.5</td>
<td>1.5</td>
<td>1.5</td>
<td>13.8</td>
<td>C</td>
</tr>
<tr>
<td>4</td>
<td>***</td>
<td>0.705</td>
<td>100</td>
<td>100</td>
<td>10.0</td>
<td>1.0</td>
<td>1.0</td>
<td>13.8</td>
<td>E</td>
</tr>
<tr>
<td>5</td>
<td>***</td>
<td>0.704</td>
<td>100</td>
<td>100</td>
<td>10.0</td>
<td>1.0</td>
<td>1.0</td>
<td>13.8</td>
<td>F</td>
</tr>
<tr>
<td>6</td>
<td>-</td>
<td>0.701</td>
<td>100</td>
<td>100</td>
<td>10.0</td>
<td>1.0</td>
<td>1.0</td>
<td>13.8</td>
<td>G</td>
</tr>
<tr>
<td>7</td>
<td>***</td>
<td>0.748</td>
<td>100</td>
<td>100</td>
<td>10.0</td>
<td>1.0</td>
<td>1.0</td>
<td>13.8</td>
<td>H</td>
</tr>
<tr>
<td>8</td>
<td>***</td>
<td>0.580</td>
<td>100</td>
<td>100</td>
<td>10.0</td>
<td>1.0</td>
<td>1.0</td>
<td>13.8</td>
<td>I</td>
</tr>
<tr>
<td>9</td>
<td>***</td>
<td>0.700</td>
<td>100</td>
<td>100</td>
<td>10.0</td>
<td>1.0</td>
<td>1.0</td>
<td>13.8</td>
<td>L</td>
</tr>
<tr>
<td>10</td>
<td>-</td>
<td>0.702</td>
<td>100</td>
<td>100</td>
<td>10.0</td>
<td>1.0</td>
<td>1.0</td>
<td>13.8</td>
<td>M</td>
</tr>
<tr>
<td>11</td>
<td>-</td>
<td>0.724</td>
<td>100</td>
<td>100</td>
<td>10.0</td>
<td>1.0</td>
<td>1.0</td>
<td>13.8</td>
<td>N</td>
</tr>
<tr>
<td>12</td>
<td>***</td>
<td>0.767</td>
<td>100</td>
<td>100</td>
<td>10.0</td>
<td>1.0</td>
<td>1.0</td>
<td>13.8</td>
<td>O</td>
</tr>
<tr>
<td>13</td>
<td>-</td>
<td>0.701</td>
<td>100</td>
<td>100</td>
<td>10.0</td>
<td>1.0</td>
<td>1.0</td>
<td>13.8</td>
<td>Q1</td>
</tr>
<tr>
<td>14</td>
<td>-</td>
<td>0.702</td>
<td>100</td>
<td>100</td>
<td>10.0</td>
<td>1.0</td>
<td>1.0</td>
<td>13.8</td>
<td>Q2</td>
</tr>
<tr>
<td>15</td>
<td>-</td>
<td>0.724</td>
<td>100</td>
<td>100</td>
<td>10.0</td>
<td>1.0</td>
<td>1.0</td>
<td>13.8</td>
<td>Q3</td>
</tr>
<tr>
<td>16</td>
<td>***</td>
<td>0.760</td>
<td>100</td>
<td>100</td>
<td>10.0</td>
<td>1.0</td>
<td>1.0</td>
<td>13.8</td>
<td>Q4</td>
</tr>
</tbody>
</table>

P<0.001

دختی کودکان بینا (با شنیدن صوت), کودکان بینا (با شنیدن صوت) و کودکان بینا (با دیدن تصویر) تفاوت معنی‌دار وجود ندارد و تصاویر یکسانی را به‌دست آورند.
مقایسه نوآمی‌های شیندیاری کودکان بینا و نابینا در...

بنابراین کودکان نابینا در تصویر سازی شیندیاری احیان صوتی منعكس کندن ویژگی‌های
شناختی با کودکان بینا نیز برابرند.

چهارم آزمون فرضیه چهارم

تصاویر ذهنی خوشایند کودکان نابینا از صاحبان صوت با برخی از ویژگی‌های شخصیتی
(شناختی- عاطفی) آنان مربوط است.

یافته‌های مربوط به فرضیه چهارم:

با توجه به فرضیه چهارم(نتایج جدول 4)، جوون میزان F حاصله از F جدول برای هر یک
از عوامل A (گرمی)، E (تسهیل)، L (حسابیت)، و H (خوش بینی)، در سطح حداکثر 5% = α
معنی دار است، بنابراین رگرسیون معنادار است. بعلاوه، با توجه به بالاتر بودن نسبت 2 در گروه
نابینا (2/1/2 = 2) نسبت به گروه بینا (2/1/3 = 2) برای عامل A (گرمی)، بالاتر بودن نسبت 2
در گروه نابینا (0/25 = 2) در مقایسه با گروه بینا (0/71 = 2) برای عامل L (حسابیت) و
بالاتر بودن نسبت 2 در نابینا (0/24 = 2) در مقایسه با بینا (0/24 = 2)

جدول 4- نتایج تحلیل رگرسیون و اطلاعات درباره ضریب رگرسیون پاره‌ای از عوامل شخصیتی (عاطفی-شناختی) در دو

<table>
<thead>
<tr>
<th>گروه کودکان نابینا و بینا</th>
<th>طبقه‌بندی</th>
<th>سطح سیر</th>
<th>نوار</th>
<th>فیزیولوژی</th>
<th>میزان A</th>
<th>عامل A</th>
<th>مقیاس</th>
<th>میزان B</th>
<th>عامل B</th>
<th>مقیاس</th>
<th>میزان C</th>
<th>عامل C</th>
<th>مقیاس</th>
<th>میزان D</th>
<th>عامل D</th>
<th>مقیاس</th>
<th>میزان E</th>
<th>عامل E</th>
<th>مقیاس</th>
<th>میزان F</th>
<th>عامل F</th>
<th>مقیاس</th>
<th>میزان G</th>
<th>عامل G</th>
<th>مقیاس</th>
<th>میزان H</th>
<th>عامل H</th>
<th>مقیاس</th>
<th>میزان I</th>
<th>عامل I</th>
<th>مقیاس</th>
<th>میزان L</th>
<th>عامل L</th>
<th>مقیاس</th>
<th>میزان Q4</th>
<th>عامل Q4</th>
<th>مقیاس</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
</tbody>
</table>

* p <= 0.05  ** p <= 0.01  *** p <= 0.001
برای عامل ۱ (خوش بینی) نتیجه گرفته می‌شود که بین تصویرهای ذهنی خوشاایند کودکان نابینا از الگوهای صوتی بزرگسالان و عوامل عاطفی (گویی، ارتعاش، اعجاب، خشن، تنش)، در سطح حداقل ۰.۰۵ = α معنی‌دار است. ۱/۸۰ (خوش بینی) در لحن صدای اشخاص تبلور یافته در سطح حداقل ۰.۰۵ = α معنی‌دار است. همچنین با عنایت به داده‌های بدست آمده از جدول ۱، چون با جدول خاص از F حاصل از H برای هر یک از عوامل F (سرزندگی)، H (جسامت)، ۰ (اعتماد به خود)، Q۰ (تنش)، در سطح حداقل ۰.۰۵ = α معنی‌دار است، بنابراین رگرسیون معنی‌دار است. بعلاوه با توجه به بالاتر بودن نسبت ۲ در گروه نابینا (۳۶/۳۴ = 1.072) در مقایسه با گروه بینا (۴۰/۲ = 2) برای عامل H (جسامت) بالاتر بودن نسبت ۲ در گروه نابینا (۸۱/۳۶ = 2.25) در مقایسه با گروه بینا (۹۸/۰۰ = 1.11) برای عامل Q۰ (اعتماد به خود) و بالاتر بودن نسبت ۲ در گروه نابینا (۶/۴ = 1.5) در مقایسه با گروه بینا (۷/۱ = 2) برای عامل Q۰ (تنش) عوامل دیگر در مقایسه با گروه نابینا (۳/۴ = 1.25) برای عامل Q۰ (تنش) بین تصاویر ذهنی خوشاایند کودکان نابینا از لحن صدای اشخاص و عوامل عاطفی F (سرزندگی)، H (جسامت)، Q۰ (اعتماد به خود) Q۰ (تنش) در لحن صدای اشخاص وجود دارد در سطح حداقل ۰.۰۵ = α معنی‌دار است.

همچنین در مطالعه، آزمون فرضیه چهارم نشان می‌دهد که فرضیه خلاف فوق تأکید می‌گردد و دلایل کافی برای رد فرضیه صفر در سطح ۰.۰۵ = α وجود دارد. همچنین کودکان نابینا از الحن صوتی گرم با اجتماعی، مسلط، سرزنده، جسور، خوش‌بينی، متقی به خود، دارای بیان روش‌شناسی و تصویرسازی ویژگی‌های شخصیتی اشخاص از طریق الحن صوتی آنان توسط کودکان نابینا در فرآم سازی بستر آموزشی با مقتضیات زندگی فیزیکی از اموری است که بر بایه حس شنوایی، توجه به مقایسه شکل‌گیری، تصویرسازی ذهنی - شنیداری نابیناونان و نابیناونان را قابل توجهی می‌سازد. تحقیق حاضر در پی اثبات این فرضیه بوده است که توانایی شنوایی کودکان بینا و نابینا براساس لحن صدای اشخاص و تجسم ویژگی‌های شخصیتی (شناسختی - عاطفی) آنان قابل مقایسه است.

پیش از ادامه بحث برنامه تحقیق، لازم است بر این نکته تاکید شود که در گروه کودکان بینا و نابینا از لحاظ توانایی تصویرسازی شنوایی برای حس شنوایی تفاوت معنی‌داری با یکدیگر دارند و این تفاوت برتری کودکان نابینا را در شکل دهی تصاویر
مشاهده نوی‌نامه‌ی شیدداری کودکان بینا و نابینا در...... 99

شیدداری بخودی آشکار می‌سازد (جدول ۱ و ۲). زیرا مقایسه کودکان بینا با صوت و
کودکان نابینا با صوت نشان می‌دهد که تمرکز شنوایی نابیناها از بینیانان بیشتر و قوی‌تر است.
بدین ترتیب که با نتایج تحقیقات زیمر و سولی (۱۹۷۸، ۱۹۹۱)، دنیس و گوئرندلی (۱۹۸۶)، دوربر (۱۹۹۷) و مور (۱۹۹۷) هماهنگی دارد و آنها را مورد تایید قرار می‌دهد. نتایج فرضیه‌ای اول و
دوم بدين ترتیب تفسیر می‌شود که بین تفسیر ذهنی نابیناها همخوانی وجود دارد و
نابیناها از دستگاه یکسانی در تصفیه‌سازی ذهنی استفاده می‌کنند. همچنین بین تفسیرسازی
ذهنی بین‌بانیا همخوانی وجود دارد و بین‌بانیا نیز از دستگاه متفاوت از نابیناها پروری می‌کنند.
نتایج آزمون فرضیه‌ای سوم نشان می‌دهد که توانایی شنوایی کودکان نابینا از لحص صدای
انسان و یونیتی‌های صنعتی- عاطفی آنان در مقایسه با کودکان بینا متفاوت است، اما واقعی تر
است و این تأثیر بیشتر بانوی عامل عاطفی از بانوی یک در گروه‌های (راحل، ۱۹۸۱، ۱۹۸۷)،
سرزمینی (۱۹۷۸)، (حسینی)، (حرم جامعه‌ای)، (انتصاب به خود)، (نصب) است.
به علاوه تفاوت بین تفسیر بین‌بانیا و نابیناها از سایر عوامل شخصیتی (شناختی)
از قبیل B (هوش)، C (پاداش هیجانی)، G (افلاطونی)، M (عمل جراتی)، N (شلیک کاری)،
Q1 (محافظه‌کاری)، Q2 (حمله به خود)، Q3 (خود نظم دهنده) و Q4 (مبتلا به خود)، Q5 (خود نظم دهنده)، و Q6 (در دو گروه بینا و نابینا
الگوهای صوتی برگزاران را می‌شنود، تفاوت معنی‌داری وجود ندارد.
نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ای سوم یافته‌های فرالند (۱۹۳۳)، سیلوستر (۱۹۳۳)، مینه (۱۹۸۲)، هیل و ویلم (۱۹۸۴)، سیلر (۱۹۸۴)، ردیف فلوزر و بهادر (۱۹۹۵) را مورد تایید قرار می‌دهد.
یافته‌های حاصل از آزمون فرضیه چهارم می‌بینیم که بینهایم تفسیر ذهنی خوش‌اینگ کودکان
نابینا از لحص صدای اشخاص (آموزگاران) از عوامل عاطفی شخصیتی آنان همجون گروه (راحل،
سرزمینی)، (حسینی)، (حرم جامعه‌ای)، (انتصاب به خود)، (نصب) مربوط است و این یافته‌ها تنها با نتایج تحقیقات سویلور (۱۹۹۲)،
زاینی (۱۹۹۵)، میلر و سویلور (۱۹۹۵)، لوئیس و گولینس (۱۹۷۷) و نو
(۱۹۹۷) هم‌بودن دارد.
لذا براساس نتایج تحقیق حاضر این گونه تفسیرهای گردیده که عوامل آدمی می‌تواند در
کلمه‌های صوتی ابعاد و صدا می‌تواند کنش‌های عاطفی شخصیتی آدمی را نشان دهد. همچنین کودکان نابینا در مقایسه با کودکان بینا حضور عاطفی افراد برگسرالرا از طریق شنیدن لحن صدای آنان بهتر تجسم می‌نمایند. در واقع تصویر ذهنی کودکان نابینا از ویژگی‌های عاطفی اشخاص پس از شنیدن صدای آنان از تصویر ذهنی بینایان منتفاوت است و این تفاوت به این مناسبت که کودکان نابینا، کانون توجه خود را بهتر و خاصه بر شنیدن الحاق صوتی اشخاص و ابعاد‌های عاطفی آنان از قبیل گرمی، تسلط، سرزنده، حساسیت، جسارت، خوشینه، و نش متمرکز می‌سازند. از این رو نظر به اینکه این عامل شناوی واحد تأثیر ویژگی در تماز یافته و یکپارچه‌سازی تصویر ذهنی کودکان نابینا در مقایسه با کودکان بینا است، توجه به نقش محوری در اکنش وری شنوایی به عنوان واقع بیشترین سهم در شکل دنی تماز ذهنی نابینا حائز اهمیت فراوانی می‌گردد و بدین نحو می‌توان برگرایش اصلی نابینایان به تصویرسازی از راه حس شنوایی صحت گذارد و بر نقش الحاق صوتی - عاطفی ثابت بر روی کودکان نابینا تأثیر زیادی و از الحاق صوتی خوشایند و ثابت به عنوان یک راهکار مؤثر در آموزش و پرورش (تدریس و ضبط مطالب درسی) آنان بهره جست.

در خاتمه تمامی آزمون‌های آماری همبستگی پیرسن، تحلیل واریانس یکطرفه، تکوی و تحلیل رگرسیون چندمتغیره فرضیه‌های تحقیق را تایید کرد. لذا به منظور فراهم آوردن بیشتر تحلیل و بازسازی نظام آموزشی و توانبخشی کودکان و نوجوانان نابینا، در ادامه تحقیق حاضر آشکارسازی برخی دیگر از زوایای پنهان تأثیر الگوهای صوتی بر باپی کارآمدی توجه شنیداری در نابینایان و کاربرد آن در تصویرسازی ذهنی آنان، نیاز به بررسی‌های بیشتری را برجسته می‌گرداشد.

کاربردهایی که از انجام این تحقیق متصور است در دو بعد نظری و عملی قابل بحث می‌باشد. از لحاظ نظری می‌تواند:

۱- دانش آمیزی در زمینه تصویرسازی از الحان صوتی به ایجاد تشخیص و بازنمایی ویژگی‌های شخصیتی، تمایل و کنترول بهتر راه‌های راهنمایی به یک دیدگاه نسبتاً جامع از نقش الحان صوتی و تصویرسازی ذهنی نابینایان فراهم گردد.

۲- افزایش نابینا می‌تواند با استفاده از الحان و کیفیت صوتی و با تشخیص ویژگی‌های
شخصیتی (شناختی - عاطفی) انرژه زمینه برقراری ارتباط موثرتری را ایجاد نمایند.

3- تعیین و گسترش نظیره جبران حسی

از لحاظ عملی می توان:

1- براساس نظریه‌های مربوطه، زمینه استفاده از تصویر ذهنی مشتی را که کودکان نابینا از آن به عنوان مسمانی و سیمله‌ای برای ارائه بازخورد و گرگشی جدیدتری به آنان در تصویر از خود و بازسازی حرمت خود به منظور سازش و غله بر دشواری‌های زندگی، به کار برد.

2- براساس نظریه جبران حسی می توان به زمینه‌های گوناگون کار با کودکان و نوجوانان نابینا از قبیل توانبخشی و بازپروری، یپشگیری و دیمانگری و ایجاد تغییر انگیزه‌ها و رفتاری اقتصادی و اجتماعی اقدامات مفید به عمل آورد.

3- گردش و استفاده از آموزش و مرتبان دارای اثرات شرطی مناسب را ارائه کرده و این احتمال زیر همکاری که به نوعی در زندگی کار و تحصیل با نابینایان مشارکت دارند، آموزش داد.

4- مطالب و موضوعات درسی به‌وسیله افراد (مریب، آموزشگران و والدین) دارای لحن صوتی خوشایند و مطلوب را ضبط کرد.

**یادداشت‌ها**

1) Mental imagery
2) Sensory Compensation Theory
3) Mental Image
4) Auditory imagery
5) Voice
6) Auditory inputs
7) Sensory dependence
8) Anophthalmia
منابع:

افروز، غلامعلی(1317). مقدمه‌ای بر روانشناسی آموزش و پرورش کودکان استاندارد. دانشگاه تهران.

افروز، غلامعلی(1317). "ویژگی‌های روانی - اجتماعی کودکان نابینا." شماره دانشگاه علوم نوین تهران.

شریفی درآمده، پرویز (1375). "روش‌های و آموزش کودکان نابینا." انتشارات گفتگوی درد.

شریفی درآمده، پرویز (1379). "بررسی تأثیر الگوهای صوتی بر گرگ‌الان و ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها در نصیب‌رساله کودکان نابینا." مجله مدرس.

عاشری بری، حسین (1387). "قابلیت‌های عالی فنی انتقال انتشارات ایرانی.


International Journal of Behavioral Development. T. 1-36.


BPS books.


